

سورة الاحقاف

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سید محمد نقوی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم، شهر قائم، ۱۲ متری شهید رجایی، پلاک ۵۲

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مآخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی رایج، پانویس شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و مآخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف) کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب) مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲-۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی ندارد.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،
نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه
المصطفی العالمیه. قم

فهرست مطالب

۷	قرآن پژوهی سیاست جنایی اسلام در تعزیرات
۱۹	سعادت انسان در اندیشه امام سجاد(ع)
۴۷	بررسی معجزه از دیدگاه دیوید هیوم و نقد آن
۶۵	آزادی سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره) و فارابی
۸۳	اقدامات اقتصادی امام حسن عسکری(ع) جهت کسب درآمد
۱۰۵	فوائد فلسفه فقه
۱۲۱	راهکارهای گسترش حجاب در جامعه
۱۴۵	عوامل تهدید بنیان خانواده در قرآن و روایات
۱۶۹	مسئولیت کیفری اطفال در قوانین ایران، افغانستان و اسناد بین الملل
۱۸۵	آزادی، انواع و حدود آن از دیدگاه اسلام و اندیشمندان اسلامی
۲۲۵	غلبه دین حق بر تمام ادیان
۲۴۹	جریان شناسی تفسیر عرفانی در اندلس

عوامل تهدید بنیان خانواده در قرآن و روایات

سید مهدی نقوی^۱

چکیده

در این مقاله سعی شده است به عواملی که می‌تواند بنیان خانواده را مورد تهدید قرار داده و آن را از هم بپاشد و همچنین میزان تأثیر هر یک از این عوامل اشاره شده است. جایگاه هر یک از زن و مرد در حفظ بنیان خانواده غیر قابل انکار است، زیرا این زن و مرد هستند که با ازدواج با یکدیگر یک خانواده را تشکیل می‌دهند و غیر از خودشان هم کس دیگری قادر به حفظ آن نیست. به عنوان مثال هر یک از همسران وظیفه دارند که در ایجاد آرامش یکدیگر تلاش کنند و نگذارند همسرش به دنبال آرامش به خارج از نهاد خانواده متوسل شود. آرامش هم با اخلاق خوب، احترام به همسر، اعتماد به او، قدردانی از زحمات یکدیگر و امثالهم ایجاد می‌شود. در این صورت است که بنیان خانواده می‌تواند حفظ شود و اگر چنین نباشد، چنین خانواده‌ای برای اینکه پابرجا بماند بسیار بعید است.

واژگان کلیدی: خانواده، همسران، خویشاوندان، آسیب، تهدید

۱. کارشناس ارشد رشته ادیان ابراهیمی مجتمع امام خمینی (ره)، جامعه المصطفی العالمیه.

۱. مقدمه

خانواده به عنوان رکن مهم جامعه، باید از هرگونه آسیب و تهدید توسط هر یک از زوجین و همچنین از طرف اطرافیان آن‌ها محفوظ بماند تا بتواند پابرجا بماند و از هم نپاشد. آیا می‌دانید که اگر همسران از عواملی که باعث آسیب به نهاد خانواده می‌شود اجتناب کنند تا چه حد بر کاهش آمار طلاق و فروپاشی نظام خانواده تأثیر دارد. بله آمار طلاق به شدت کاهش پیدا کرده و شاهد جامعه‌ای سالم و پرنشاط که برای پیشرفت و ترقی آماده است خواهیم بود. اما گاهی یکی از زوجین یا هر دوی آن‌ها یا یکی از اقوام و خویشاوندان به این امر توجه ندارد و با رفتارهای نادرستی که از خود بروز می‌دهد سبب این می‌شود تا نهاد خانواده که پایه و اساس به جامعه سالم است مورد تهدید قرار بگیرد. در این مقاله ما مواردی را که سبب آسیب به خانواده شده را مورد بررسی قرار داده و تلاش کردیم تا با معرفی این آسیب‌ها به همسران کمک کنیم با رعایت این نکات جهت حفظ بنیان خانواده موفق‌تر عمل کنند.

۲. عوامل تهدید خانواده از طرف شوهر

شوهر در خانواده مانند ستون است و مدیریت و تدبیر مرد در خانواده از اهمیت بسیاری برخوردار است. مرد با توجه به رفتارهایی که از خود بروز می‌دهد می‌تواند سبب استحکام خانواده و یا سبب آسیب جدی و حتی فروپاشی نظام خانواده شود. حال در این قسمت به آسیب‌هایی که می‌تواند از ناحیه شوهر، نهاد خانواده را تهدید کند اشاره می‌کنیم.

۱-۲. آزار و اذیت زن توسط شوهر

از مهم‌ترین مسئولیت‌های یک مرد، اخلاق پسندیده در خانه است. خداوند در قرآن طی جمله‌ای کوتاه، حدود برخورد با همسر و کیفیت رفتار با او را تعیین کرده، می‌فرماید: «و عاشروهنّ بالمعروف» (نساء/۱۹). مرد نباید در رفتار خود نسبت به همسر از اعتدال خارج شود. خشونت، بد اخلاقی و ستم، خلاف دستور خداست؛

همچنان که رها کردن همسر و مطیع کامل زن بودن نیز درست نیست. در زندگی زناشویی اگر زن در قبال محبت و تلاشی که از خود نشان می‌دهد، پاسخ محبت آمیز نگیرد و حتی به جای محبت آزار ببیند، دیر یا زود، از محبت به شوهرش دست می‌کشد و کانونی که باید با محبت و مودت گرم شود، به سردی می‌گراید. روشن است که کمتر زنی با این وضعیت، حاضر به ادامه زندگی است و اگر هم آن را ادامه دهد، چنین زندگی‌ای را نمی‌توان یک زندگی سالم و یک کانون پر حرارت خواند. همانا این آزارها می‌تواند جسمی و یا روحی باشد که گاهاً آزار روحی دردناکتر خواهد بود. روایات، افزون بر کتک زدن زن، تحقیر او و حتی بغض و دشمنی درونی را هم زمینه فروپاشی تدریجی خانواده دانسته‌اند. از پیامبر خدا روایت شده که می‌فرماید: «مَنْ أَضْرَبَ بِامْرَأَةٍ حَتَّى تَفْتَدِيَ مِنْهُ نَفْسَهَا، لَمْ يَرْضَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ بِعُقُوبَةٍ دُونَ النَّارِ؛ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَغْضَبُ لِلْمَرْأَةِ كَمَا يَغْضَبُ لِلْيَتِيمِ»؛ (حرّ عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۲، ص ۲۸۳). یعنی هر کس به زنی آزار برساند تا آن زن با بخشیدن مهریه‌اش، جان خود را از او بخرد، خدای تعالی برای آن مرد به کیفری کمتر از آتش، رضایت نداده است؛ چرا که خداوند متعال برای زن، همان گونه به خشم می‌آید که به خاطر یتیم.

در حدیث دیگری آمده است: «أَيُّ رَجُلٍ لَطَمَ امْرَأَتَهُ لَطْمَةً، أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَالِكًا خَازِنَ التَّيْرَانِ فَيَلْطِمُهُ عَلَى حُرِّ وَجْهِهِ سَبْعِينَ لَطْمَةً فِي نَارِ جَهَنَّمَ، وَأَيُّ رَجُلٍ مِنْكُمْ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى شَعْرِ امْرَأَةٍ مُسْلِمَةٍ، سَمَرَ كَفَّهُ بِمَسَامِيرٍ مِنْ نَارٍ»؛ (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۵۰). یعنی هر مردی که به زنش سیلی بزند خداوند به مالک (نگهبان دوزخ) دستور می‌دهد که در آتش جهنم هفتاد سیلی بر گونه او بزند و هر مردی از شما بر موی زنی مسلمان (و نامحرم) دست نهد، میخ‌هایی از آتش در کف دست او می‌کوبد. از پیامبر خدا نیز روایت است که فرمود: «أَنِي أَعْجَبُ مِمَّنْ يَضْرِبُ امْرَأَتَهُ وَهُوَ بِالضَّرْبِ أُولَى مِنْهَا»؛ (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۲۴۹). یعنی در شگفتم از کسی که زنش را می‌زند، در حالی که خود او به کتک خوردن سزاوارتر است!

همچنین در رابطه با آزار و اذیت همسر می‌توان به مسئله طلاق اشاره کرد. روابط زناشویی بیشتر مسلمانان در عصر حاضر، بر خلاف دستورهای اسلام و قرآن است

و گاهی در نقطه مقابل آن قرار دارد. صریح آیه قرآن است که یا به خوبی و خوشی با زنتان زندگی کنید و یا به خوبی و خوشی او را طلاق دهید. یعنی وقتی دیدید که نمی‌توانید با یکدیگر زندگی کنید، برای آخرین بار صورت یکدیگر را ببوسید و از هم جدا شوید. (مصطفوی، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۳۹۸). آیه ۲۳۱ سورة بقره بیان می‌کند که در صورت طلاق دادن زن، از آزار و اذیت او تا پایان عده او پرهیز شود: «أَوْ سَرَّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ».

۲-۲. اخلاق بد

این نکته کاملاً واضح است که افراد بد اخلاق علاوه بر آن که زندگی خود را آشفته می‌کنند، زندگی خانواده‌شان را نیز دچار لطمه و آسیب جدی می‌کنند. اگر این وضعیت ادامه یابد و یا تشدید شود، اطرافیان و بویژه همسر به مقابله به مثل با او خواهد پرداخت که در نهایت باعث از هم پاشیدگی خانواده خوتهد شد. آمار فعلی دادگاه‌های خانواده، بدخویی مرد را از علت‌های قابل توجه متلاشی شدن خانواده برمی‌شمرند. بر همین اساس، با وجود ترغیب به تزویج جوانان از سوی اسلام، امام رضا(ع) در راهنمایی حسین بن بشار که خویشاوند بدخویش به خواستگاری دخترش آمده است، می‌فرماید: «لاتزوجه ان كان سبي الخلق». (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۰۳، ص ۲۳۴). یعنی اگر بدخلق است، دخترت را به همسری وی در نیاور.

اما در مقابل بد اخلاقی با همسر، خوش خلقی و مهربانی با همسر، یکی از نمودهای برجسته معاشرت پسندیده است. این ویژگی اخلاقی دوجانبه است و هر يك از همسران باید به آن آراسته باشند. کسی که در برخورد با همسر با چهره‌ای بشاش، ادای کلمات زیبا، بدون داد و فریاد، منطقی، متواضعانه و دلسوزانه ظاهر می‌شود، شخصی خوش اخلاق تلقی می‌گردد. این شخص با حضور خود در جمع خانواده، افزون بر ایجاد صفا و آرامش در خانواده، از اجر معنوی نیز برخوردار می‌شود و همچنین مورد لطف اعضای خانواده قرار می‌گیرد. فضایی به وجود آمده با حضور پدر و یا مادر خوش اخلاق، در آرامش روانی، اعتماد به نفس، شکوفایی و

پیشرفت همه اعضای خانواده به‌ویژه فرزندان تأثیر زیادی دارد. پیامبر گرامی اسلام^a درباره ارزش و جایگاه خوش اخلاقی می‌فرماید: «شایسته‌ترین مردم از نظر ایمانی، خوش اخلاق‌ترین آن‌ها و مهربان‌ترین آن‌ها با خانواده‌اش است و من مهربان‌ترین شما نسبت به خانواده‌ام هستم. (پناهی، زمستان ۸۸، ص ۶).

۲-۳. خساست در مخارج زندگی

اگر خداوند به انسان مؤمن روزی دهد، وی هم به زندگی‌اش وسعت می‌دهد و اگر دست و بالش تنگ شود، به کسب حرام و طرق نامشروع روی نمی‌آورد؛ اما انسان بخیل، در هر صورت به کسی چیزی نمی‌دهد و احوالش را نزد خود نگاه می‌دارد. چنین شخصی همه و حتی خود را نیز در تنگنا می‌گذارد و از پرداخت هزینه‌های اصلی خانواده نیز شانه خالی می‌کند و بدین سان، فشار سختی را به خانواده وارد می‌آورد؛ سختی‌ای که با توجه به وضعیت مالی‌اش برای همسر و خانواده توجیهی ندارد و تنها علت آن، خوی زشت بخل است. در این وضعیت، کمتر زنی تاب می‌آورد. او یا به دزدی پنهان از شوهر روی می‌آورد و یا حداقل در علاقه او به خود تردید می‌کند و متقابلاً علاقه‌اش به همسر کاهش می‌یابد؛ زیرا خود را از دارایی و مال همسرش کم ارزش‌تر می‌بیند.

در قرآن کریم آمده است، افرادی که بخل می‌ورزند گمان نکنند که این کار به نفع آن‌هاست، بلکه عذابی دردناک در انتظارشان است: «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»؛ (آل عمران/ ۱۸۰). آنان که بخل نموده و از مالی که خدا از فضل خویش به آن‌ها داده حقوق فقیران را ادا نمی‌کنند گمان نکنند این بخل به نفع آن‌ها خواهد بود بلکه به ضرر آن‌هاست، چه آنکه مالی که در آن بخل ورزند در قیامت زنجیر گردن آن‌ها شود، و تنها خدا وارث آسمان‌ها و زمین است و خدا به کردار شما آگاه است.

در روایتی آمده است: «شر الناس الضيق على أهله»؛ (هیثمی، ۱۴۱۴هـ.ق، ج ۸، ص ۲۵). یعنی بدترین مردم کسی است که بر خانواده‌اش تنگ بگیرد.

۲-۴. نداشتن تدبیر

از آنجا که مسئولیت اداره خانواده فقط باید به یکی از زن و مرد محول گردد و اصولاً معقول نیست که به عهده هر دو نفر آنان گذاشته شود، بر این اساس و نظر به پاره‌ای خصوصیت‌ها که اختلاف جنسیت میان زن و مرد پدید آورده است، این مسئولیت به مرد سپرده شده است.

ریاست و سرپرستی، وظیفه‌اش کلیه تدبیرات خانواده، نفقه و تنظیم و هماهنگ ساختن شریآن‌های اصلی زندگی است و زن بدون هیچ گونه شک و شبهه‌ای تحت فرمان مرد بوده و نمی‌تواند از آن شانه خالی کند. مستند این بیان آیات مستقیم قرآن، خطاب‌های الهی، گواهی ارث می‌باشد. (قاضی، ۱۳۸۰ش، ص ۱۳۶). در آیه ۳۴ سوره نساء آمده است که مردان بر زنان، حق نگهداری و تسلط دارند؛ علت آن را هم برتری بعضی بر بعضی دیگر و همچنین دادن نفقه توسط مردان بیان می‌کند: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ». (نساء/ ۳۴).

بنابراین خانواده تازه تأسیس، با جاده‌ای ناهموار و گردنه‌هایی طولانی روبه روست. دو جوانی که هنوز جایگاه شغلی ثابتی برای خود نیافته‌اند با بدهی‌های مربوط به تعهدات مالی تحصیل، تهیه مسکن، هزینه‌های تولد و نگهداری فرزند نیز روبه رو می‌شوند. از سوی دیگر به دلیل جوانی، زن خواهان مصاحبت بیشتر شوهر با اوست و توقع دارد که شوهر وقت بیشتری را برای با هم بودن بگذارد. خواسته‌ها و انتظارات پیشین خویشان، دوستان، همسایگان و همکاران را نیز باید افزود. از طرفی مسئولیت‌های دینی و اجتماعی هر دو سوی ازدواج نیز وجود دارد. در چنین فضایی تنها مدیریت عاقلانه و ماهرانه می‌تواند خانواده را از این کشاکش سنگین برهاند و با توجه به این که مدیریت خانواده در اسلام به مرد سپرده شده، این موضوع اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. اگر مرد، فاقد مدیریت لازم باشد خانواده در گردابی از مشکلات حل‌نشده و گره‌های کور فرو می‌رود و در این میان رضایت و ارضای همسر فدا می‌شود و کانون خانواده جایی برای شکایت‌ها و سرریز مشکلات حل‌نشده می‌گردد. امام علی (ع) درباره این آفت خطرناک خانواده می‌فرماید: «آفة

المعاش سوء التدبیر))؛ (آمدی تمیمی، ۱۳۷۸ش، ج ۳، ص ۱۱۱). یعنی آفت زندگی، سوء تدبیر است. در حدیث دیگری از ایشان که به فراتر از خانواده اشاره دارد آمده است: ((سبب التدمیر سوء التدبیر))؛ (همان، ج ۴، ص ۱۲۶). علت ویرانی، سوء تدبیر است.

۲-۵. میل به داشتن زنان دیگر

تنوع طلبی یکی از آسیب‌های خطرناکی است که نهاد خانواده را تهدید می‌کند و مانع تحکیم این نهاد مقدس می‌گردد. دلایل مختلفی ممکن است این مساله را ایجاد کرده باشد که عبارتند از:

۱- نبود تقوای کافی در مرد و چشم چران بودن؛ این مساله یکی از مهمترین علل تنوع طلبی مردان است. دیدن زنان نامحرم، دیدن فیلم و کلیپ جنسی و یا عکس جنسی باعث شده مردان زنان هرزه را با همسران خود مقایسه کنند و فکر کنند که همسرشان نمی‌تواند همانند آنها شود البته این پندار نا خود آگاه در ضمیر شخص خود را نشان می‌دهد.

۲- ممکن است همسر جذابیت‌های رفتاری را شوهر نداشته باشد و همین مساله مرد را به فکر ارتباط با زنان دیگر وا دارد در این صورت باید زن، مهارت‌های ارتباط مؤثر با همسر خود را یاد بگیرد.

۳- وجود قوه شهوت زیاد در مردان آن هم به دلیل تغذیه نامناسب او را به سمت ارضاء شهوت از همسرش می‌کشاند ولی وقتی اقبالی از همسر برای رابطه جنسی نبیند از او زده شده و به فکر زن دیگر می‌افتد.

دین اسلام با توجه به واقعیت فزونی تعداد زنان آماده ازدواج بر مردان، چند همسری را با رعایت شروطی سخت (مانند: عدالت) تجویز کرده است؛ اما این به معنای تنوع طلبی و رفتار خودخواهانه با زن نیست. هرگاه مرد بخواهد از این جواز شرعی و واقعیت اجتماعی، سوء استفاده کند و بی هیچ دلیلی همسرش را طلاق دهد، این کار نزد خداوند متعال منفور است. از امام باقر(ع) روایت شده که می‌فرماید: ((ان الله یبغض کل مطلق ذواق)). (حُرّ عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۲، ص ۸). یعنی خداوند از مردان پر طلاق و ازدواج و تنوع طلب نفرت دارد.

البته برای پیش‌گیری از این حالت راه‌هایی وجود دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱- تقوای خود را زیاد کنید و نگاهتان را مدیریت کنید. در این رابطه می‌توان به آیه سبی ام سوره نور دقت کرد که می‌فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ»؛ (نور/۳۰). (ای رسول ما) مردان مؤمن را بگو تا چشمها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را (از کار زشت با زنان) محفوظ دارند که این بر پاکیزگی (جسم و جان) آنان اصلح است، و البته خدا به هر چه کنید کاملاً آگاه است.

خودتان را در دام مقایسه همسران با زنان دیگر قرار ندهید قطعاً همسر شما جذابیت‌ها و قابلیت‌هایی دارند که دیگران ندارند روی آن‌ها ذهنتان را متمرکز کنید.

۳- تغذیه متناسب با مزاجتان داشته باشید پیشنهاد ما در این باره مشاوره با متخصصان طب اسلامی است.

۴- برنامه جنسی مرتب با همسران بچینید و تعهد بدهید که طبق برنامه رابطه داشته باشید. نظم در رابطه جنسی بسیاری از مشکلاتتان را حل می‌کند.

۲-۶. غیرت بی بجا

از واژه‌هایی که در روایات اسلامی به عنوان بیان يك فضیلت مهم اخلاقی آمده است غیرت است که در اصل به معنی دفاع شدید از عرض و ناموس یا مال و مملکت و دین و آیین است، مخصوصاً این واژه در مواردی به کار می‌رود که چیزی حق اختصاصی شخص یا گروهی است، و دیگران می‌خواهند حریم آن را بشکنند، و صاحب آن به دفاع شدید برمی‌خیزد. به هر حال این وصف اگر به صورت معتدل در انسان باشد، فضیلتی بزرگ است. چه فضیلتی از این بالاتر که انسان را اجازه ندهد بیگان‌های به حریم ناموس یا کشور یا دین و آیین او هجوم برد، بلکه در مقابل او بایستد، و تا سر حد جان دفاع کند.

در قرآن کریم در آیات ۶۰ تا ۶۲ سوره احزاب به مسئله غیرت اشاره شده است؛ برای نمونه، خداوند سه گروه را شدیداً مورد تهدید قرار می‌دهد؛ منافقان، بیماردلان (اراذل و اوباش هوسباز) و شایعه پراکنان که اگر دست از کارهای خود، یعنی مزاحمت نوامیس مردم و تضعیف روحیه مسلمین و نشر شایعات دروغین درباره زنان پاکدامن برندارند به شدیدترین مجازات گرفتار خواهند شد: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا؛ مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تَقِفُوا آخِذُوا وَ قَاتِلُوا تَقْتِيلًا؛ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (احزاب/۶۰-۶۲).

این غیرت الهیّه که سبب دفاع شدید از عرض و نوامیس و کیان مسلمین شده است سر مشقی برای همه در مسأله غیرت دینی و ناموسی است و نشان می‌دهد که در برابر اراذل و اوباش و منافقان کوردل و بیماردلان نباید بی تفاوت یا خونسرد باشند. این تعبیر با آنچه از فعل پیامبر اکرم (ع) در تاریخ نقل شده که در این گونه موارد سخت گیر بود و با متخلفان برخورد شدید می‌کرد، نشان می‌دهد که این مسأله به عنوان یک فضیلت اخلاقی و وظیفه اجتماعی پذیرفته شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ص ۴۳۳).

زندگی مشترک، محدود کننده روابط جنسی است. در هر اجتماع و دینی، ازدواج مرزهایی را برای روابط جنسی به وجود می‌آورد. در دین اسلام، این روابط منحصر به خانواده می‌شود و از این رو، خیانت هر یک از دو سوی ازدواج به معنای پیمان شکنی است. این نکته، قابل قبول همگان است؛ اما هرگاه حساسیت به این مسئله، از حد طبیعی خود بیرون رود و به صورت شک‌هایی بی جا و غیرت ورزی بدون دلیل درآید زندگی را تلخ می‌کند و خانه را به صورت بازداشتگاهی درمی‌آورد که بازجوی آن شریک زندگی است. کسی که باید بیشترین اعتماد را داشته باشد بیشترین تردید را دارد. جالب توجه آن که ابراز تردیدها و پرس وجوهای بی دلیل، همسر امین را نیز به سوی خیانت سوق می‌دهد و او را در معرض خیانت به شوهر قرار می‌دهد. روایت تکان دهنده نهج البلاغه در این باره بسیار صریح است. امام علی (ع) می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَ التَّغَايُرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ غَيْرَةٍ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ إِلَى السُّقْمِ، وَ الْبَرِيئَةَ

إلى الرّيب». (مجلسی، بی تا، ج ۱۰۳، ص ۲۵۲).

در پایان می‌افزاییم که هرگاه نگاه شوهر به جایی رسد که به همسر خود تهمت بزند و او را متهم به روابط جنسی خارج از ازدواج کند، درحالی که چنین نیست به لعنت الهی دچار می‌شود. با توجه به فرآیند «لعان»^۱ در فقه اسلامی، چنین شخصی، زندگی خود را در معرض تباهی قرار داده است و این زمینه را برای همسر خود به وجود می‌آورد تا با انجام دادن تشریفات قانونی، از او جدا شود.

۳. عوامل تهدید خانواده از طرف زن

شوهرداری کردن از مهم ترین وظایف شرعی زن نسبت به مرد است که زن باید آن را به بهترین شکل ممکن انجام دهد. البته شوهرداری کردن خود نیاز به مهارت‌ها و توانایی‌های لازم دارد. زن اگر بتواند به بهترین صورت این وظیفه خود را انجام دهد، می‌تواند خانه را به بهشتی برای اعضای آن تبدیل کند. اما اگر زن این وظایف را به درستی انجام ندهد و یا حتی کارهایی انجام دهد که در شأن یک زن مسلمان نیست، می‌تواند باعث آسیب رساندن به نهاد خانواده و یا حتی به فروپاشی خانواده بینجامد.

۳-۱. عدم مدارا با شوهر

زندگی خانوادگی ملازم مجموعه‌ای سازگاری هاست و دو فرد که با دو فرهنگ و دوگونه عادات و سلوک در کنار هم قرار می‌گیرند لازم است با مدارا و سازگاری مناسب تغییرات پیش آمده را بپذیرا شوند و در برابر خواسته‌ها و انتظارات معقول و حقوق یکدیگر سرسختی نشان ندهند و هنگام بروز مشکلات با انعطاف‌های خردمندانه زندگی را پر آرامش و بانشاط سازند و اجازه ندهند که خشک سری و بی انعطافی زندگی خانوادگی را از سلامتی و همدلی و همراهی بیرون برد. زوج‌های

۱ - قاعده فقهی «لعان»، برای اثبات ادّعی مرد در باره روابط نامشروع زن و نفی فرزند است که از او متولّد شده است و کیفیت آن در آیات ۶ و ۷ از سوره نور آمده است. بر اساس این قاعده، اگر زن، ادّعی مرد را انکار کند و هر دو، سوگندهای چهارگانه را یاد کنند، برای همیشه از هم جدا می‌شوند.

جوانی که از ابتدا و بدون مقدمه‌ای، خواستار تغییر همسر خود و به رنگ خود درآوردن او شده‌اند، در همان ابتدای راه، به چاله بگو و مگو و درگیری درگلیته‌اند و نه تنها سودی از تذکرات و ناسازگاری خود ندیده‌اند که کانون خانواده را تا لبه پرتگاه آشفستگی و از هم پاشیدگی درآورده‌اند.

در آیه ۱۹ سوره نساء آمده است که مردان باید با زنان خود مدارا کنند، اگر چه رفتارهای او مورد پسندش نباشد: «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»؛ در زندگانی به آن‌ها به انصاف رفتار نمایید، و چنانچه دلپسند شما نباشند (اظهار کراهت نکنید) چه بسا چیزها ناپسند شماست و حال آنکه خدا در آن خیر بسیار مقدر فرماید. زنان نیز چنین باشند. یعنی هنگامی که از شوهر خود رفتارهایی دیدند که آن‌ها را ناراحت می‌کند، باید تا جایی که امکان دارد، با شوهرشان مدارا کنند. در روایتی از امام علی (ع) آمده است: «شرالزوجات من لاتواتی». (آمدی نمی، ۱۳۷۸ش، ج ۴، ص ۱۶۶). بدترین همسران، زنی است که سازگار نباشد.

۲-۳. درخواست و انتظارات نامعقول از شوهر

خداوند متعال مرد را مسئول خانواده خودش قرار داد و وظیفه تأمین مایحتاج زندگی را بر عهده او گذاشت. این ویژگی یک خانواده سالم و متعارف است و جز در مواردی که مرد به اعتیاد یا بیماری‌های اخلاقی و اجتماعی مبتلا می‌شود، همه جا چنین تلاشی وجود دارد. این وظیفه، چون تکلیفی الهی است، پس قابل منت گذاری بر زن هم نیست. اما مشکل از آن جا آغاز می‌شود که در شرایط خاص و تنگناهای مالی، شوهر توانایی تأمین خواسته‌های زن را ندارد و یا زن، به مقدار نیاز بسنده نمی‌کند. در این دو حالت، اگر زن بر خواسته‌های خود پا نگذارد و برای تأمین آن‌ها، به شوهرش فشار بیاورد، افزون بر به خشم آوردن خداوند متعال، زمینه ناراحتی شوهر را نیز فراهم می‌آورد.

در این وضعیت، گاه پیش می‌آید که مرد بر اثر سرزنش‌های زن، به دزدی و اختلاس و درآمدهای نامشروع روی می‌آورد و گاه به گریز از خانه و حتی اعتیاد کشیده می‌شود

و یا در فرضی دردناک، به جدایی می‌اندیشد. در همه فرض‌ها، آرامش روحی شوهر کاهش می‌یابد و نگاه افسرده و یا عصبی او در روابط خانوادگی بازتاب می‌یابد. این گونه است که اساسی‌ترین هدف ازدواج (یعنی آرامش زندگی) آسیب می‌بیند. از این رو، روایات اسلامی، زن را از وادار کردن شوهر به آنچه در توان او نیست، به شدت نهی کرده‌اند: «إِيْمًا امْرَأَةٌ أَدْخَلَتْ عَلَى زَوْجِهَا فِي أَمْرِ النَّفَقَةِ وَ كَلَّفَتْهُ مَا لَا يُطِيقُ، لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهَا صَرْفًا وَلَا عَدْلًا، إِلَّا أَنْ تَتُوبَ وَ تَرْجِعَ وَ تَطْلُبَ مِنْهُ طَلَقَتَهُ»؛ (طبرسی، ۱۳۷۰ ش، ج ۱، ص ۴۴۱). یعنی هر زنی که در درخواست نفقه، بر شوهرش فشار آورد و خارج از توانش چیزی بر او تحمیل کند، خداوند، از او نه توبه‌ای می‌پذیرد و نه کفاره‌ای، مگر آن که توبه کند و برگردد و در حد توانش، از او چیز بخواهد. »

۳-۳. منت و تحقیر شوهر

تحقیر و اهانت، قابل توجه‌ترین نشانه‌های طلاق عاطفی و جدایی است و دلیل آن نیز کاملاً مشخص است. توهین کردن به همسر هر رابطه سالم را از بین می‌برد چه برسد به زندگی زناشویی. نفرت و انزجار، اهانت و تحقیر نسبت به فرد مقابل را تحریک می‌کند و این نفرت به بی‌رحم‌ترین شکل ممکن ظاهر می‌شود. زمانی که میان زوجین اهانت و تحقیر به وجود می‌آید، حتماً برای مدت زمان طولانی است که وجود داشته‌اند. تمام ناراحتی‌ها و ناامیدی‌ها در نهایت شدت می‌یابند و بروز پیدا می‌کنند. اما این رفتارها معمولاً برای مدت زمان طولانی پیش از آنکه به عنوان اهانت و تحقیر ظاهر شوند، فردی که تحقیر و اهانت پیش می‌گیرد را ذره ذره نابود می‌کند و این بدان معنا است که این رفتارها تأیید نمی‌شوند به طوری که آسیب پنهانی به زندگی زناشویی وارد می‌شود.

در شماری از روایات، این برخورد غیراخلاقی، به شدت محکوم شده است: «لَوْ أَنَّ جَمِيعَ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ ذَهَبٍ وَ فِضَّةٍ حَمَلَتْهُ الْمَرْأَةُ إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا، ثُمَّ صَرَبَتْ عَلَى رَأْسِ زَوْجِهَا يَوْمًا مِنَ الْأَيَّامِ، تَقُولُ: «مَنْ أَنْتَ؟ إِنَّمَا الْمَالُ مَالِي»، حَبَطَ عَمَلُهَا وَ لَوْ كَانَتْ مِنْ أَعْبَدِ النَّاسِ، إِلَّا أَنْ تَتُوبَ وَ تَرْجِعَ وَ تَعْتَذِرَ إِلَى زَوْجِهَا»؛ (همان، ج ۱، ص ۴۴۱). یعنی اگر زن، همه طلا و نقره‌های روی زمین را به خانه شوهرش ببرد، سپس

روزی از روزها بر سر او بزند و بگوید: «تو کیستی؟ این دارایی، مال من است» اعمالش بر باد می‌رود، اگرچه از عابدترین مردمان باشد، مگر آن که توبه کند و از سخنش برگردد و از شوهرش پوزش بخواهد. لذا همسران به ویژه زنان باید در زندگی زناشویی به این نکته مهم اهمیت دهند تا زندگی‌شان دچار تزلزل و از هم گسستگی نشود.

۳-۴. آزار و اذیت همسر

آزار دادن همسر موجب تزلزل بنیان خانواده است؛ زیرا در فرض آزاررسانی از سوی زن، مرد نیز واکنش همانند نشان می‌دهد و کانون زندگی به معرکه درگیری و کشمکش تبدیل می‌شود و به تدریج، تحمل چنین وضعیتی برای هر دو سوی رابطه سخت می‌شود. در این زندگی‌ها، محبت و اطاعت جای خود را به سرپیچی و نفرت می‌دهد و در این حالت، روابط متعارف ازدواج به گونه‌ای دیگر تحقق می‌پذیرد. حتی در صورتی که شوهر تحمل کند و به مقابله به مثل نپردازد، از محبتش به همسر کاسته می‌شود و زندگی با عشق به زندگی با نفرت تبدیل می‌شود. این وضعیت غیرطبیعی، تنها تا آن جا ادامه می‌یابد که تنش‌های عصبی حاصل از این نگاه و رفتار از آستانه تحمل طرفین درنگذرد. امام صادق (ع) در تعبیری لطیف، زن آزاررسان را از اسباب تکدر عیش می‌داند و می‌فرماید: «لَا تُؤْذِي امْرَأَةً زَوْجَهَا فِي الدُّنْيَا إِلَّا قَالَتْ زَوْجَتُهُ مِنَ الْحَوْرِ الْعَيْنِ: لَا تُؤْذِيهِ، قَاتَلِكِ اللَّهُ، فَإِنَّمَا هُوَ عِنْدَكَ دَخِيلٌ يُوْشِكُ أَنْ يُفَارِقَكَ إِلَيْنَا»؛ (متقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۶، ص ۳۳۳). یعنی هر زنی در دنیا شوهرش را آزار بدهد، همسر (تعیین شده) او از حوریان بهشتی می‌گوید: خدا تو را بکشد! او را میازار؛ زیرا او نزد تو میهمان است و به زودی تو را ترک می‌کند و نزد ما می‌آید.

گفتنی است به خشم آوردن شوهر نیز گونه‌ای آزار دادن اوست. از این رو، اگر زن در نیابد که چه رفتاری همسرش را خشمگین می‌کند و سپس آن را ناخودآگاه تکرار کند و یا با قصد آزار چنین کند زمینه تزلزل خانواده را فراهم کرده است.

۳-۵. خودآرایی برای غیرهمسر

از جمله وظایف شرعی زن نسبت شوهر این است که باید خود را برای شوهرش آراسته کند. البته بعد از این که زوج صاحب فرزندی شدند باید با توجه به موقعیت موجود و رعایت فرزندان این کار را انجام دهند. زن همیشه باید بهترین و جذاب ترین لباس های خود را برای شوهرش بپوشد. اما متأسفانه برخی از زنان هنگام بیرون رفتن از منزل گاهی اوقات نیز خود را آرایش می کنند. این خودآرایی زن، برای غیرهمسر، یکی از خطرناک ترین آفت هایی است که کانون خانواده را تهدید می کند. در حدیثی از پیامبر آمده است: «لَا يَحِلُّ لِمَرْأَةٍ أَنْ تُظَهِّرَ مَعْصَمَهَا وَقَدَّمَهَا لِرَجُلٍ غَيْرِ بَعْلِهَا، وَإِذَا فَعَلَتْ ذَلِكَ لَمْ تَزَلْ فِي لَعْنَةِ اللَّهِ وَسَخَطِهِ، وَغَضَبِ اللَّهِ عَلَيْهَا، وَلَعْنَتِهَا مَلَائِكَةُ اللَّهِ، وَأَعَدَّ لَهَا عَذَابًا أَلِيمًا»؛ (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۴۲). یعنی برای هیچ زنی، حلال نیست که مچ و پای خویش را برای مردی جز شوهرش آشکار سازد. هرگاه چنین کند، پیوسته مورد لعنت و ناخشنودی خدا قرار می گیرد و خداوند بر او خشم می گیرد و فرشتگان خدا لعنتش می کنند و برایش عذابی دردناک آماده می سازند.

در قرآن کریم نیز به این موضوع مهم اشاره شده است که زنان باید چشمها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را (از عمل زشت) محفوظ دارند و زینت و آرایش خود جز آنچه قهرا ظاهر می شود (بر بیگانه) آشکار نسازند: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ»؛ (نور/۳۱).

در روایتی از پیامبر آمده است که هرگاه زن، خود را بیاراید و خوش بکند و از درخان هاش بیرون برود و شوهر، به این، راضی باشد، به ازای هر قدمی که برمی دارد، برای شوهرش یک خانه در آتش ساخته می شود: «الْمَرْأَةُ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَابِ دَارِهَا مُتَزَيِّنَةً مُعَطَّرَةً وَالزَّوْجُ بِذَلِكَ رَاضٍ، يُبْنَى لِرُؤُوسِهَا بِكُلِّ قَدَمٍ قَدِمَتْ فِي النَّارِ»؛ (مجلسی، بی تا، ج ۱۰۰، ص ۲۴۹).

۳-۶. عدم قدردانی زن از همسر

قدر ناشناسی و بی توجهی نسبت به حقوق شوهر، عدم رعایت حال او در مواقع خستگی و کار، داشتن توقعات بالا و بیش از حد، دخالت‌های بی جا در مسائل شخصی وی، به حساب نیاموردن او در تصمیم‌گیری‌ها، قطع رابطه با خانواده و بستگان درجه یک او، بد زبانی و... شرحی از بدبختی‌های بسیاری از مردانی است که در عین مظلومیت، خود را مقصر همه کم و کاستی‌ها نیز می‌دانند. مردانی که بیشتر وقتشان را صرف کارهای سخت با درآمدهای کم می‌نمایند و خود ساده روزگار می‌گذرانند، اما هر چه بیشتر فداکاری می‌کنند کمتر مراعات حالشان می‌شود.

قدردانی فرمولی دارد که اگر کسی با آن آشنا باشد، هیچگاه از خیر و منفعت آن صرف نظر نمی‌کند. قدردانی همواره موجب افزایش نعمت می‌شود. اگر زنی ویژگی قدردانی را در خودش تقویت کند و عادت کند خوبی‌های همسرش را درک کرده و با اخلاق و رفتار خود از او سپاسگزاری کند، خیلی زود متوجه بهتر شدن اخلاق و رفتار او نیز خواهد شد.

خداوند در سوره ابراهیم این نکته را بیان می‌کند که اگر بندگان، شکر نعمت‌ها را به جای آورند، بر نعمتشان می‌افزاید و اگر کفران کنند، آنان را به عذابی سخت گرفتار می‌سازد؛ «وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»؛ (ابراهیم/ ۷).

در زندگی مشترک، زن بیشتر به محبت شوهر نیاز دارد و مرد به سپاس‌گزاری زن. از این رو، در صورت عدم ارضای خواست روحی و یا واکنش متعارض با آن از سوی زن، علاقه مرد به زن آسیب می‌بیند و به تدریج، این واکنش دوسویه زنجیری از گله‌گزاری و دلخوری درونی را پدید می‌آورد و بنیان خانواده را سست می‌نماید. لذا روایات اسلامی، به شدت زنان را از ناسپاسی لطف و محبت شوهران نهی کرده‌اند. در روایتی آمده است: «ایما امراه قالت لزوجها: «ما رایت قط من وجهک خیرا فقد حبط عملها»». (ابن بابویه قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۳، ص ۴۴۰). یعنی هر زنی که به شوهرش بگوید: «من هرگز از روی تو خیری ندیده‌ام»، اعمالش بر باد می‌رود.

همچنین در روایت دیگری آمده است: «لا ینظر الله الی امراه لا تشکر لزوجها،

و هی لاتستغنی عنه»؛ (متقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۶، ص ۳۹۶). یعنی خداوند، به زنی که از شوهرش سپاسگزاری نمی‌کند با آن که شوهرش بی نیاز نیست، نگاه (بالطف و رحمت) نمی‌کند.

۷-۳. تنوع طلبی و خیانت به شوهر

تنوع طلبی جنسی پدیده‌ای است که هرگاه عشق در روابط زناشویی کم‌رنگ شود ارضاء ناقص جنسی متولد می‌شود. محرک‌هایی چون ماهواره و سایت‌های غیر مجاز از عوامل پررنگی است که موجب بروز هیجانات کاذب شده و برخی افراد بویژه مردان نمی‌توانند به طور طبیعی با شریک زندگی خود به رضایتمندی جنسی برسند و همچون افراد گرسنه‌ای هستند که همه چیز را غذا می‌بینند و همواره در پی کشف فردی زیباتر، جذاب‌تر و یا روشی جدیدتر برای ارضای جنسی خویش هستند.

زوجین اگر با یکدیگر رابطه‌ای طبیعی و رضایتمند برقرار کنند، هیچگاه خیانتی پیش نخواهد آمد و زوج یا زوجه همیشه به تک همسر خود قانع و وفادار است. تنوع طلبی ذاتی است و درجه آن در افراد متفاوت است، چنانچه شخص تنوع طلب بتواند چندین بار با شریک زندگی خود ارضای کامل جنسی را تجربه کند میل به تنوع طلبی در او کم‌رنگ و به مرور زمان ریشه کن خواهد شد.

زن نیز ممکن است مانند مرد، به بیماری تنوع طلبی جنسی مبتلا شود و چون محدودیت او بیشتر است، این بیماری می‌تواند او را به درخواست طلاق و در برخی از موارد، به خیانت و گاه به قتل همسر وادار سازد. از این رو در روایات، تنوع طلبی جنسی زن، همانند تنوع طلبی مرد، نکوهش شده است. در روایتی از پیامبر خدا آمده است: «إِيمًا امْرَأَةٌ سَأَلَتْ زَوْجَهَا طَلَاقًا فِي غَيْرِ مَا بَأْسٍ، فَحَرَامٌ عَلَيْهَا رَائِحَةُ الْجَنَّةِ»؛ هر زنی که بی‌جهت از شوهر خود طلاق بخواهد، بوی بهشت بر او حرام است. (حُرّ عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۲، ص ۲۸۳).

خیانت زن به مرد، صورت‌های مختلفی می‌تواند داشته باشد؛ ۱- خیانت اقتصادی و مالی: یعنی زن در غیاب مرد، بی‌اذن او در اموال مرد تصرف کند و در جایی که مرد رضایت ندارد، مصرف نماید و بعداً به مرد نگوید. ۲- خیانت عرضی

و آبرویی؛ یعنی زن اسرار مرد را افشا نماید و او را نزد دیگران بی‌آبرود کند. ۳- یکی از خیانت‌های زن به مرد این است که با مرد اجنبی رابطه نامشروع داشته باشد. اگر این رابطه نامشروع با چهار شاهد عادل و دیگر شرایط آن ثابت شود، حکم زنا بر زن جاری می‌شود.

خداوند متعال در آیه ۵ سوره مؤمنون، یکی از ویژگی‌های مؤمنین را مسأله‌ی پاکدامنی و عفت به طور کامل، و پرهیز از هرگونه آلودگی جنسی قرار داده و چنین می‌گوید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَفْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ».

علامه طباطبائی در تفسیر این آیه چنین فرموده‌اند: کلمه‌ی فروج جمع فرج است، به طوری که گفته‌اند، عورت زن و مرد است، که مردم از بردن نام آن‌ها شرم می‌کنند و حفظ فروج کنایه از اجتناب از مواقعه‌ی نامشروع است. از قبیل زنا و لواط و یا جمع شدن با حیوانات و امثال آن.

خداوند در سوره انفال نیز مؤمنان را از خیانت منع می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ (انفال/ ۲۷).

تعبیر قرآن که خداوند خیانت‌کاران را دوست ندارد در آیات متعدد آمده است؛ از جمله در آیه ۱۰۷ سوره نساء در این رابطه آمده است: «وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنْفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا»؛ و هرگز به خاطر مردمی که با نفوس خود خیانت می‌کنند (با اهل ایمان) جدال مکن، که همانا خدا آن را که خیانتکار و بد عمل است دوست نمی‌دارد.

۴. دیگر عوامل آسیب به بنیان خانواده

این گونه آسیب‌ها، آفاتی هستند که معمولاً از ناحیه زن و یا شوهر نیستند؛ بلکه پدر یا مادر و یا اشخاص دیگر، آن‌ها را ایجاد می‌کنند. البته در برخی از موارد، ممکن است مرد یا زن نیز در شکل‌گیری آن‌ها سهیم باشند.

۱-۴. تحمیل ازدواج

خانواده مانند همه نهادهای پرارزش در معرض انواع آسیب‌ها و آفت‌هایی است که سلامتی، استواری و پویای آن را تهدید می‌کند. لذا نخستین شرط تشکیل خانواده

پایدار، آزادی دختر و پسر در انتخاب همسر و تحمیل نکردن پیوند زناشویی بر آنها است. در گزارشات تاریخی آمده که مرافعه دختر و پدری را که در امر ازدواج با یکدیگر اختلاف داشتند نزد پیامبر a مطرح کردند حضرت فرمودند: او به کار خود سزاوارتر است پس او را به ازدواج کسی در آور که دلش می خواهد.

شخصی از امام صادق (ع) پرسید: من مایلیم با زنی ازدواج کنم؛ ولی پدر و مادرم می خواهند که با زن دیگری ازدواج نمایم. چه کنم؟ امام (ع) پاسخ داد. «تزوج التی هویت، ودع التی یهوی ابواک». (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۱، ص ۴۴۱). یعنی با کسی ازدواج کن که خودت می خواهی و آن شخصی را که پدر و مادرت می خواهند، رهاکن!

در روایتی دیگر از جابر بن عبدالله آمده که مردی نزد پیامبر آمد و گفت: دختر یتیمی پیش ماست که دو مرد از او خواستگاری کرده اند: یکی توانگر و دیگری تنگ دست. او مرد فقیر را می خواهد و ما به توانگر تمایل داریم! پیامبر a فرمود: «لم یرللمتحابین مثل النکاح». (متقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۶، ص ۴۸۹). یعنی برای دو دلدا، چیزی همانند ازدواج، دیده نشده است.

البته باید توجه داشت که راهنمایی پدر و مادر برای انتخاب همسر مناسب، فوق العاده ضروری است و جوانان باید بدانند که در تشکیل خانواده بی نیاز از بهره گیری از مشورت والدین خود نیستند.

۲-۴. مهریه های خارج از استطاعت مرد

یکی از سنتهای بسیار قدیمی در روابط خانوادگی بشری این است که مرد هنگام ازدواج برای زن مالی را به عنوان مهر قائل می شده است و چیزی از مال خود به زن یا پدرزن خویش می پرداخته است. (خزانی، ۱۳۵۳، ص ۴۷). در بیشتر اقوام معمول بوده که شوهر آینده قبل از ازدواج به ولی زن یا به خود زوجه ای آینده هدیه هایی می داده است. در کیش یهود مبلغی به عنوان «خطوبا» که همسان ریشه خطبه به کسر اول یعنی خواستگاری است می داند و مهر را به خود زن تسلیم می کردند. (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۴۷). مهریه، با حیا و عفاف زن، هم ریشه است. زن به الهام فطری

در یافته است که عزت و احترام او به این است که خود را رایگان در اختیار مرد قرار ندهد. قرآن کریم، با لطافت و ظرافت بی نظیر می فرماید: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صِدْقَاتِهِنَّ نِحْلَةً». (نساء/۴). یعنی کابین زنان را که به آن‌ها تعلق دارد و عطیه‌ای است از شما به آن‌ها، به خودشان بدهید.

شهید ثانی می نویسد: «قرار دادن مهریه به مقدار بیش از مهر السنه مکروه است»؛ او این نظر را به سید مرتضی نسبت داده است. (جعی العاملی، ۱۳۸۱، ۴۳۹). در مختلف الشیعه آمده است: «احتمال می رود که مراد از این سخن سید، استحباب باشد نه وجوب». (علامه حلی، (۱۳۸۱ش)، ۱۴۷-۱۴۵). اما نکته مهمی که در آسیب شناسی خانواده باید به آن توجه داشت، این است که میزان مهریه، نباید با حکمت آن در تضاد باشد، چون در این صورت، آفت تحکیم نهاد خانواده می گردد.^۱

مهریه، باید حقیقتاً مفهوم هدیه را به ذهن تداعی کند، نه داد و ستد و گروگانگیری را. از این رو، سنگینی مهریه، نشانه شوربختی زن، و سبکی آن، نشانه برکت زن شناخته شده است، مانند روایتی از پیامبر^ص که می فرماید: «لاتغالوا بمهور النساء، فانما هی سقیاء الله سبحانه». (مجلسی، بی تا، ج ۱۰۳، ص ۳۵۳). در مهریه‌های زنان، زیاده روی نکنید؛ چرا که زنان، در واقع، باران خداوند سبحان‌اند.

همچنین سنگینی مهریه، موجب کینه و دشمنی خانوادگی معرفی شده است: «تَیَاسَرُوا فِي الصَّدَاقِ، إِنَّ الرَّجُلَ يُعْطِي الْمَرْأَةَ حَتَّى يَبْقَى ذَلِكَ فِي نَفْسِهِ عَلَيْهَا حَسِيكَةً». (متقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۶، ص ۳۲۴). یعنی در مهریه، آسان بگیرید؛ زیرا مرد، با این که مهریه‌ی سنگینی را به زن می پردازد. اما کینه آن، نسبت به زن، در دلش می ماند.

در جای دیگری، این تعبیر آمده است: «لاتغالوا بمهور النساء، فتكون عداوه». (طبرسی، ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۵۰۶). در مهریه‌های زنان، زیاده روی نکنید؛ چون مایه دشمنی می شود.

۱ - گفتنی است توضیحاتی که در باره حکمت مهریه ارائه شد، اقتباس از کتاب نظام حقوق زن در اسلام، نوشته استاد شهید مرتضی مطهری است.

۴-۳. ازدواج با اهداف غیرارزشی

گاهی انگیزه اصلی در تشکیل زندگی مشترک، عشق به فرد مقابل و نیاز روان‌شناختی به زیستن با فرد مقابل نیست؛ بلکه او وسیله‌ای برای رسیدن به هدف‌های دیگر می‌شود. این هم از دلایل نادرست ازدواج است. به عنوان مثال ازدواج کردن با هدف بهره‌مندی از ثروت یا موقعیت خانوادگی همسر، رسیدن به قدرت و غیره، در اسلام ضد ارزش و نکوهیده شمرده شده است. از پیامبر (ص) روایت شده که می‌فرماید: «لاتزوجوا النساء علی قرباتهن، فانه یكون من ذلك القطیعه»؛ (خُر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۰، ص ۴۸۷). یعنی زنان را (به خاطر تقویت روابط خویشاوندی) با خویشاوندانشان تزویج نکنید؛ زیرا این کار، به بریده شدن روابط خویشی می‌انجامد. و نیز روایت شده است که آن حضرت فرمودند: «مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً لِعِزِّهَا لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ إِلَّا ذُلًّا، وَمَنْ تَزَوَّجَهَا لِمَالِهَا لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ إِلَّا فَقْرًا، وَمَنْ تَزَوَّجَهَا لِحَسَبِهَا لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ إِلَّا دَنَاءَةً، وَمَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً لَمْ يَتَزَوَّجْهَا إِلَّا لِيَغْضُ بَصْرَهُ، أَوْ لِيُحْصِنَ فَرْجَهُ، أَوْ يَصِلَ رَحِمَهُ، بَارَكَ اللَّهُ لَهُ فِيهَا وَبَارَكَ لَهَا فِيهِ»؛ (متقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۶، ص ۳۰۱). یعنی هر کس با زنی، به خاطر قدرتش ازدواج کند، خداوند، جز بر خواری او نمی‌افزاید و هر کس با زنی، به خاطر دارایی‌اش ازدواج کند، خداوند، جز بر ناداری او نمی‌افزاید! و هر کس با زنی، به خاطر بزرگ زادگی‌اش ازدواج کند، خداوند، جز بر پستی او نمی‌افزاید و هر کس با زنی، فقط برای این ازدواج کند که چشمش را (از حرام و نامحرم) فروپوشاند، یا دامنش را پاک نگه دارد، یا پیوند خویشاوندی‌اش را برقرار بدارد، خداوند، در آن مرد و زن برای یکدیگر برکت می‌دهد.

و در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که: «إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لِجَمَالِهَا أَوْ مَالِهَا وَكُلَّ إِلَى ذَلِكَ، وَإِذَا تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا رَزَقَهُ اللَّهُ الْجَمَالَ وَالْمَالَ»؛ (کلینی، ۱۳۸۷ش، ج ۱۰، ص ۵۹۳). یعنی هرگاه مردی با زنی، به خاطر زیبایی یا دارایی‌اش ازدواج کند، به همان زیبایی یا دارایی واگذار می‌شود، و هرگاه به خاطر دینش با او ازدواج کند، خداوند، زیبایی و دارایی را نیز روزی‌اش می‌کند.

۴-۴. ازدواج قبل از بلوغ عقلی

افراد باید قبل از ازدواج به رشد عقلی رسیده باشند و منظور این است که توان و قدرت حل مسائل را داشته باشند؛ منظور از رشد اخلاقی نیز این است که فرد قدرت مدیریت نفس خود را داشته باشد و در برابر گناه توان مقابله را داشته باشد و یکی از وظایف خانواده‌ها این است که فرزندان تا رسیدن به رشد اخلاقی آن‌ها را درست تربیت کنند.

شاید این مسأله پیش بیاید که اسلام می‌گوید فرزندان در سن کمتری نسبت به گفته روانشناسان ازدواج کنند؛ ولی دین زمانی می‌گوید فرزندان در سن کمتری ازدواج کنند که خانواده‌ها فرزندان را به شکل صحیحی تربیت کرده باشند.

هر چند روایات اسلامی، به خانواده‌ها تأکید کرده‌اند که هنگام بلوغ فرزندان، زمینه ازدواج آن‌ها را فراهم کنند و به جوانان نیز توصیه کرده‌اند که برای حفظ پاک دامنی خود هرچه زودتر ازدواج نمایند، اما پیشوایان ما، ازدواج کودکان را (چنان که در برخی از اقوام رسم بوده) مصلحت نمی‌دانند. از این رو، طبق نقل مرحوم کلینی، امام (ع) در پاسخ به پرسش هشام بن حکم درباره این موضوع، فرمود: «اذا زوجوا و هم صغار لم یکادوا یتألفوا»؛ (کلینی، ۱۳۸۷ ش، ج ۵، ص ۳۹۸). چنانچه آن‌ها را در خردسالی به ازدواج هم درآورید، به سختی ممکن است انس و الفتی میان آن‌ها برقرار شود.

این سخن می‌تواند به این مفهوم باشد که ازدواج پیش از رشد عقلی زوجین، آفت تحکیم خانواده است و ممکن است به جدایی بینجامد. از این رو، برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که طلاق، در جوانانی که زیر نوزده سالگی ازدواج کرده‌اند، بیشتر از جوانانی است که پس از آن ازدواج کرده‌اند.

۵. نتیجه گیری

یکی از اساسی‌ترین راه‌های استقرار و استمرار ارزش‌های اخلاقی و دینی در جامعه، تقویت و تحکیم نهاد خانواده است. نخستین گام در جهت تحکیم نهاد خانواده، رعایت آدابی است که برای تشکیل خانواده در اسلام، مقرر شده است. افزون بر این، در احادیث پیامبر^ص و اهل بیت^ع، رهنمودهای بسیار ارزنده‌ای برای

تقویت محبت و قداست خانواده ارائه شده است که مهم‌ترین آن‌ها را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد: الف- وظایف مشترک مرد و زن؛ ب- وظایف خاص مرد؛ ج- وظایف خاص زن. خانواده، مانند همه نهادهای پر ارزش، در معرض انواع آسیب‌ها و آفت‌هایی است که سلامت، استواری و پویایی آن را تهدید می‌کند. این عوامل به سه دسته تقسیم می‌شوند: الف- عوامل آسیب‌زا از طرف شوهر بر زن، ب- عوامل آسیب‌زا از طرف زن بر شوهر، ج- عوامل آسیب‌زا از طرف دیگران.

نتایج حاصله از این تحقیق، حاکی از آن است که با توجه به مستندات آیات و روایات عواملی نظیر ایمان و فضیلت، اظهار عشق و محبت زوجین نسبت به همدیگر، خوشخویی و حسن معاشرت، پرهیز از سوء ظن، حسادت، آزار دادن، بخل، تنوع طلبی و منت نهادن، تأمین نیازهای جنسی و دینی و...، از عوامل تحکیم و استوار نهاد خانواده به شمار می‌رود که زوجین با به کارگیری و اهتمام به این آموزه‌ها، می‌توانند نهاد خانواده و به تبع آن، جامعه را از فروپاشی و ضلالت نجات داده و سعادت و خوشبختی خانواده و جامعه را تضمین نمایند.

۶. منابع

قرآن کریم

۱. نهج البلاغه
۲. آمدی تمیمی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۷۸ش)، غررالحکم، ترجمه هاشم رسولی، تهران، فرهنگ اسلامی.
۳. پناهی، علی احمد، شریفی، احمد حسین، (زمستان ۸۸)، بایسته‌های اخلاقی همسران و نقش آن در تربیت فرزندان، معرفت اخلاقی، ش ۱.
۴. جبعی العاملی، زین الدین، (۱۳۸۱ش)، ترجمه مباحث حقوقی شرح لمعه، چاپ اول، ترجمه اسد اله لطفی، تهران: انتشارات مجد.
۵. حرّ عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶ق)، وسائل الشیعة، محقق محمدرضا حسینی جلالی، موسسه آل البیت، قم، سوم.
۶. خزائلی، محمد، (۱۳۵۳)، احکام قرآن، تهران، انتشارات جاویدان.

۷. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۳۷۰ش)، مکارم الاخلاق، چاپ چهارم، قم، الشریف الرضی.
۸. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، (۱۳۸۱ش)، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، قم، موسسه بوستان کتاب قم.
۹. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۴۰۶ق)، الوافی، مصحح کمال فقیه ایمانی، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمومنین علی(ع).
۱۰. قاضی، حسن، (۱۳۸۰ش)، ازدواج دائم، مجدد، موقت، چاپ اول، انتشارات منیر.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، (۱۳۸۷ش)، محقق مرکز بحوث دارالحديث، قم، دارالحديث.
۱۲. متقی، علی بن حسام الدین، (۱۴۱۹ق)، کنز العمال، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۳. مجلسی، محمد تقی، (بی تا)، بحار الأنوار، دار احیا التراث العربی، بیروت.
۱۴. مصطفوی، سید جواد، (۱۳۸۲ش)، بهشت خانواده، چاپ بیستم، قم، انتشارات دارالفکر.
۱۵. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴ش)، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ نوزدهم، انتشارات صدرا.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۷ش)، اخلاق در قرآن، چاپ اول، مجموعه آثار قرآنی.
۱۷. نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، آل البيت.
۱۸. هیشمی، أبو الحسن نور الدین علی بن ابي بکر بن سلیمان، (۱۴۱۴هـ ق)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، محقق: حسام الدین القدسي، مکتبه القدسي، القايره.

